

فرمانروایی هخامنشیان بر مصر

www.ketab.ir
دکتر محمد ملکی

سرشناسه	: ملکی، محمد، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرمانروایی هخامنشیان بر مصر / محمد ملکی.
مشخصات نشر	: تهران: سمیر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص؛ ۲۱×۵/۱۴؛ ۵/۵ م.
شابک	: 978-964-220-431-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: کتاب ریرا، ۱۳۹۶.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م
موضوع	: Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م -- تاثیر مصر
موضوع	: Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B. C. -- Egypt influences
موضوع	: مصر -- تمدن -- تاثیر ایران
موضوع	: Egypt -- Civilization -- Iranian influences
رده بندی کنگره	: DSR۲۱۴۰
رده بندی دیویی	: ۰۱۴/۹۵۵۰
شماره کتبشناسی ملی	: ۵۵۱۲۴۸۳

انتشارات سمیر

فرمانروایی هخامنشیان بر مصر

دکتر محمد ملکی

چاپ دوم: ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰

چاپ: هنگام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۴۳۱-۱

تهران، میدان انقلاب، پاساژ ایران، طبقه سوم، پلاک ۱۰۷

تلفن: ۶۶۹۰۰۵۲۵ - ۶۶۴۱۲۷۲۶

۱۸۰۰۰۰ تومان

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۳.....	منابع
۱۹.....	از روی کار آمدن پсамتیک یکم تا آستانه ورود ایرانیان
۱۹.....	جغرافیای تاریخی مصر باستان
۱۹.....	حدود مصر
۲۱.....	شرایط طبیعی
۲۲.....	مردم
۲۳.....	تاریخ مصر
۲۳.....	تأسیس سلسله بیست و ششم (۵۲۵-۴۶۴ ق.م)
۲۵.....	پسامتیک یکم
۲۶.....	جانشینان پсамتیک
۲۸.....	روابط مصر با آسیا
۲۸.....	روابط مصر با آشوریه و لیدیایها
۲۹.....	روابط مصر و بابلیها
۳۰.....	مصر و یونان
۳۴.....	زمینه‌های لشکرکشی هخامنشیان به مصر
۳۴.....	کوروش دوم و تأسیس شاهنشاهی هخامنشی
۳۴.....	کوروش از تولد تا شاهی
۳۵.....	کوروش و تسخیر ماد
۳۷.....	فتح لیدی و آغاز جهانگیری

مقدمه

پس از تأسیس شاهنشاهی هخامنشی توسط کورش دوم، که با پیروزی بر مادها محقق شد، دولت‌های همجوار به‌خصوص لیدی بر آن شدند که در مقابل قدرت‌یابی کورش از خود عکس‌العمل نشان دهند. این عمل، با واکنش سریع کورش در تسخیر سارد و قبضه کردن دولت‌شهرهای آسیای کوچک منجر شد. البته استراتژی کورش در فتح و تسخیر سرزمین‌های مجاور یک استراتژی کاملاً تدافعی در جهت خواست و اراده مردمان آن روزگار بود که عدالت این فرمانروای باستانی، قلوب ملت‌ها را متوجه خود کرده بود. این کتاب، پیش از پرداختن به چگونگی فتح مصر به وسیله کمبوجیه و پس از شرح جغرافیای تاریخی مصر، با نگاهی مختصر به تحولات تاریخی دوران این شاهنشاه، تسخیر مصر توسط کمبوجیه را در جهت تداوم عملکرد انسان‌منشانه کورش، بر اساس داده‌ها و مستندات تاریخی روایت می‌کند. فتح مصر به وسیله کمبوجیه، موجب سلطه مستقیم هخامنشیان شد و این امر به نوبه خود به واسطه موقعیت جغرافیایی مصر و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و تجارت این سرزمین، فواید فراوانی نصیب ایران کرد. در عوض هخامنشیان نیز با اقداماتی از قبیل حفر کاریز در واحه‌های مصر برای بهبود کشاورزی و حفر کانال سوئز برای تسهیل تجارت مصر، تدوین قوانین محلی مصر و توسعه معابد مصری نه تنها به نیازهای اقتصادی مصر توجه کردند بلکه آنها به امنیت و نیازهای اجتماعی فرهنگی این سرزمین نیز اهتمام ورزیدند.

این کتاب پس از بررسی داده‌های تاریخی دوران کورش و سال‌های آغازین فرمانروایی کمبوجیه، بر اساس گزارش منابع اولیه، انگیزه کمبوجیه برای لشکرکشی به سرزمین باستانی مصر را هرچند عمدتاً حول موضوعاتی از قبیل کارشکنی و مزاحمت‌های فرعون آماسیس در روند تسخیر سرزمین‌های لیدی،

بابل و دخالت‌های گاه و بی‌گاه این فرعون در امور دولت‌شهرهای آسیای کوچک و مستعمرات هخامنشیان در مجاورت مرزهای مصر به تصویر می‌گشود؛ اما با بررسی پیشینه تاریخی مصر و سیاست خارجی آماسیس در ارتباط با دولت‌های یونانی به‌خصوص آتن و اقدامات آتی هخامنشیان در زمان داریوش و پسرش خشایارشا در زیر سلطه کشاندن سکا‌های شمال غرب قلمرو هخامنشی و مقابله با نفوذ یونان، در واقع عامل اصلی حمله کمبوجیه به مصر، بیشتر حول محور یونان و به دلیل ممانعت از نفوذ دولت‌های یونانی در مصر تفسیر می‌کند. بنابراین علت و انگیزه حمله هخامنشیان به مصر، در نتیجه تصمیم شخصی کمبوجیه برای انتقام از مصریان که هردود بدان اشاره کرده، نیست؛ بلکه در عوض حمله کمبوجیه به مصر یک تصمیم از پیش تعیین شده بود که به دنبال یک هدف خاصی، از زمان کورش طراحی و در زمان کمبوجیه مورد اجرا و در زمان داریوش و جانشینانش، شکلی گرفت و تداوم یافت.

مهم‌ترین پیامد فتح مصر، تضعیف خطر یونان بود که هخامنشیان با تسخیر مصر حداقل مهم‌ترین اهرم فشار یونانیان برای تحت فشار قرار دادن ایران را از کار انداختند و زمینه را برای فشار بیشتر بر یونان در دوران داریوش و جانشینانش فراهم شد. افزون بر این، ایجاد نیروی دریایی، تثبیت قدرت هخامنشیان در سرزمین‌های ماورای فرات، تسخیر بدون جنگ لیبی، سیرن و برکه، تثبیت سلطه هخامنشیان بر مصر و تسخیر بخش‌های بزرگی از ممالک سرحدی کارتاژ، آمون و حبشه، از مهم‌ترین دستاوردهای سلطه بر مصر است، که در نتیجه حمله کمبوجیه به مصر هخامنشیان بدان دست یافتند.

یکی دیگر از موضوعاتی که در کتاب بدان پرداخته شده بررسی ماهیت شورش مصریان است که با به‌کارگیری دقیق داده‌های منابع آن دوره و یافته‌های جدید باستان‌شناسی، به بررسی این پدیده، با کمک تحلیل‌های مختلف از شورش و قیاس آن با موارد مشابه پرداخته شده است. با توجه به اقدامات عام‌المنفعه هخامنشیان در مصر در دوران نخست تسلط آنها بر مصر و تسامح و تساهل آنها با مصریان، تبیین ماهیت شورش مصر در این دوره را می‌توان از علل و ماهیت یکسانی تلقی کرد و نارضایتی مصریان از پذیرش شاهانی بیگانه که هیچ پیشینه تاریخی و یا باور مذهبی مشترکی با آنها نداشت و همواره در مقابل سلطه‌اش احساس حقارت می‌کردند، نسبت داد و دلایل دیگر از قبیل فشار مالیاتی بر مصر و نارضایتی مصریان از حکومت هخامنشیان که به سرعت به

ذهن خطور می‌کند، با در نظر گرفتن اقدامات مثبت و کارساز هخامنشیان در مصر تنها می‌تواند محرک شورش تلقی شوند. افزون بر این نقش قدرت‌های خارجی، به خصوص دولت‌شهر یونانی آتن، که پیش از هخامنشیان از شرکای بزرگ اقتصادی مصر بودند و در اقتصاد و تجارت مصر نقش بسزایی داشتند و در گذشته به دلیل نزدیکی و داشتن باورهای مذهبی مشترک، مناطقی برای سکونت به آنان داده شده بود، از دیگر علل مهم شورش مصر در این دوره است که، برای رهایی خود از محاصره همه جانبه هخامنشیان، در ترغیب مصریان به شورش در این دوره موثر بوده‌اند.

افزون بر این، در فصول آخر این کتاب، به مسئله رویکرد هخامنشیان به میراث متنوع و گسترده مصریان با استفاده از یافته‌های باستان‌شناسی و نیز مطالعات تاریخی جدید، به اثبات نقش اثرگذار هخامنشیان در تحول ساختار اداری و اقتصادی مصر پرداخته شده و روایت دقیق‌تری از رویارویی این دو تمدن باستانی ارائه داده است، که با گزارش برخی مورخین باستانی هم‌خوان نیست. همچنین با بررسی و تطبیق نوشته‌های این دو گروه، رویکرد هخامنشیان به میراث مصریان، که در منابع یونانی تا حدودی با سیاه‌نمایی توأم بوده، با تحلیل یافته‌های جدید مثبت ارزیابی می‌کند و قدری از ابهامات برجای مانده درباره عملکرد فرمانروایان هخامنشی در مصر، که در قرون متمادی بنا به دلایلی به آن دامن زده شده است، روشن می‌شود.

به عبارت دیگر این کتاب با استفاده از مدارک و یافته‌های باستان‌شناسی جدید در مناطق مختلف مصر، عملکرد خشونت‌آمیز شاهنشاهان هخامنشی در مصر را که توسط مورخین یونانی و رومی روایت شده، رد می‌کند و در عوض از پیوندهای دوستانه و تنگاتنگ بین دو جامعه پرده برمی‌دارد. این مدارک رعایت و پیروی از اصول کشورداری کوروش در اداره سرزمین مصر توسط جانشینانش را مورد تأیید قرار می‌دهد.

شاهنشاهان هخامنشی، به‌ویژه داریوش بزرگ در طول دوره فرمانروایی خود بر مصر، با احترام ویژه‌ای به تمدن دره نیل می‌نگریستند. آنها با علاقه‌مندی، به پیروی از سیاست‌های فراغت‌پیشین، اقدامات عمرانی و فرهنگی ناتمام آنان را تمام کردند و با این کارها، مصریان شکست خورده را، هر چه بیشتر با حاکمیت شاهنشاهی هخامنشی پیوند دادند.

هخامنشیان در مصر، در سراسر دوره تسلطشان بر این سرزمین، ارتباط‌های

نزدیکی با هم بر قرار کردند. این ارتباطات در مواردی باعث شکوفایی عناصر فرهنگی و تمدنی هر یک از آن جوامع شد. اما در مطالعه آثار مربوط به سازمان اداری و اقتصاد مصر در این دوره، شواهد بسیاری از راهیابی دستاوردهای کهن هخامنشیان در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی هستیم که تاثیر ایرانیان بر مصر در موارد گوناگونی همچون تدوین قوانین، بازسازی و تأسیس مدارس پزشکی، بازسازی و ساخت معابد مصری، حفر کاریز و ساخت ترثه سوئز که موجب گسترش شبکه‌های آبیاری و ارتباط و توسعه تجارت شدند، کاملاً مشهود است. به همین دلیل، به طور کلی می‌توان گفت که فتح و تسخیر مصر توسط پارسیان و حضور فیزیکی آنان در مصر نه تنها پیامد منفی در حوزه‌های مختلف اداری و اقتصادی در مصر دربر نداشت، بلکه موجب آرامش سیاسی و سازمان‌دهی اقتصادی سرزمین مصر شد.

این کتاب در حقیقت پژوهشی درباره حضور هخامنشیان در مصر است که پیش از این در قالب یک پایان‌نامه پژوهشی، در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان هخامنشیان در مصر، با راهنمایی استاد فاضلم جناب آقای دکتر روزبه زرین‌کوب در دانشگاه تهران، با مشاورت استاد دکتر محمدتقی راشد محصل و داوری استاد دکتر محمدباقر وثوقی با درجه عالی در سال ۱۳۸۸ از آن دفاع شده است. کتاب حاضر، تحت همین عنوان، پیش از این نیز از جانب انتشارات ریرا در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسید و در این مدت پس از اندکی تغییرات، بنا به توصیه برخی دوستان به چاپ مجدد آن همت گماشتم.